

تازه‌های تاریخی

● مهدی جدی‌نیا

خاص. به نظر می‌رسد در این کتاب، شیوه دوم مورد توجه بوده است، چرا که اولین مطلب آن، «ما و قانون» نام دارد و پس از آن بخشهایی به نامهای «قانون چهار هزار ساله» و «قوانین الهی» آمده است. این نکته در مخاطب چنین انتظاری را به وجود می‌آورد که با مجموعه‌ای از وقایع و رویدادهایی روبه‌رو شود که موجب ایجاد قانون و مجلس در این مملکت شده‌اند. اما هنوز چند صفحه‌ای از بحث قانون و بررسی وقایع تاریخی آن نگذشته که موضوع عوض شده، اصطلاحاً از تنه به برگ می‌رود و به شرح حال شخصی به نام «آقا شیخ علی» می‌پردازد که البته اولین قانون را تدوین کرده است اما این ماجرا چندان سختی با بحث آغازین ندارد. توجه به این چنین افراد بزرگی که از معاصر این مرز و بوم به شمار می‌روند، وظیفه مهمی است، اما کاش شرح حال این افراد در مجموعه‌ای مجزا گردآوری می‌شد و این مجموعه موجود، حول محور اصلی خود حرکت می‌کرد.

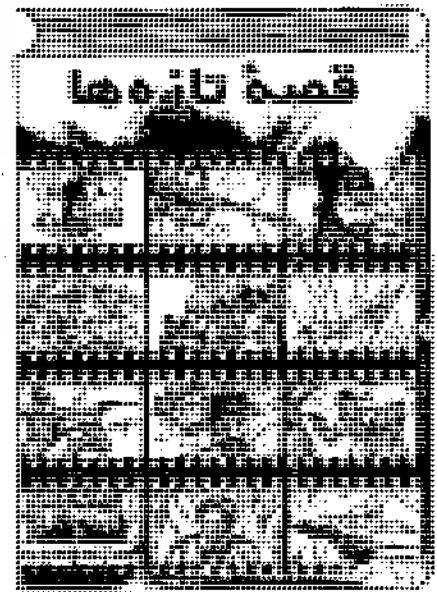
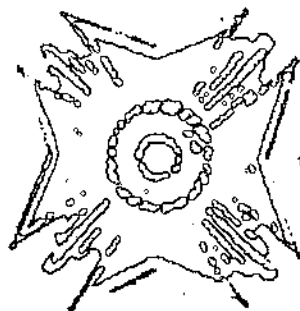
نکته دیگری که جا دارد به آن اشاره شود، تقسیم مطالب به بخشها و قسمتهای بسیار کوتاه است. البته برای مخاطب نوجوان، با توجه به مقتضیات سنی و حوصله او، خلاصه کردن و بخش‌بندی اطلاعات، کار مناسبی است، اما به نظر می‌رسد تقسیم‌بندیهای صورت گرفته در این کتاب چندان دقیق نیست. حتی گاهی یک موضوع کوتاه، خود به چند قسمت مختلف تقسیم شده است که این مسئله موجب خستگی مخاطب می‌شود.

نکته جالب دیگر آن است که پنج فصل کتاب، هر یک به نام دوره شاهان حاکم، مثلاً «دوره ناصرالدین شاه» یا «دوره مظفرالدین شاه» نامگذاری شده، اما در مطالب داخل کتاب هیچ اشاره‌ای به چگونگی این تغییر سلطنت‌ها و علل آنها و... نشده است، به طوری که مخاطب ناگهان و بدون مقدمه با هر کدام از این حاکمان رو به‌رو می‌شود؛ بدون اینکه هیچ پیش زمینه‌فکری داشته باشد، البته شاید در توجیه این قضیه چنین بیان شود که

موضوع کتاب را می‌توان به نوعی بازنویسی قسمتی از تاریخ معاصر ایران به سبک ساده و برای مخاطب نوجوان دانست و اگر کار نقد کتاب تنها بررسی‌نیات، ایده‌ها و آرمانهای نویسنده بود، واقعا جا داشت کماز نویسنده، بسیار تقدیر شود. چرا که عرضه تاریخ به جوانان و نوجوانان این مرز و بوم به شیوه‌ای ساده و قابل فهم از آن نوع آثار ماندگاری است که از یاد و باران حوادث گزندی نمی‌بیند.

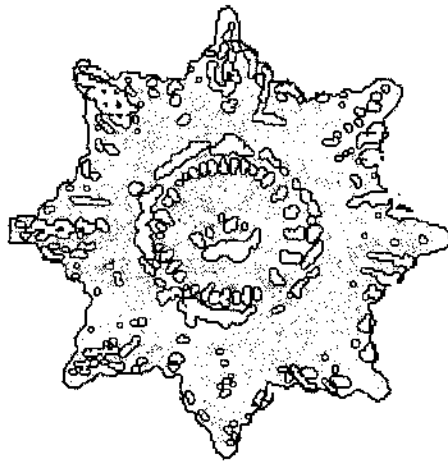
روشنگری وقایع و تجزیه و تحلیل حوادث تاریخی به شیوه‌ای صادقانه و فارغ از هرگونه غرض‌ورزی برای جوانان و نوجوانان خدمت بزرگی است. چرا که آشنایی با تاریخ از سنین نوجوانی، باعث تقویت حافظه تاریخی هر ملتی می‌شود. البته توجه به این امر در تدوین کتابهای درسی لحاظ شده است اما هنوز حیطه فعالیت در چنین زمینه‌هایی، علی‌الخصوص در تاریخ معاصر بسیار خالی می‌نماید. در هر صورت اقدام به گردآوری چنین مجموعه‌ای کاری در خور تحسین است.

در کار بازنویسی تاریخ معمولاً دو شیوه رایج وجود دارد؛ ذکر وقایع به ترتیب وقوع آنها و بررسی موضوعی خاص با توجه به عوامل، وقایع و حوادث تاثیرگذار بر شکل‌گیری آن موضوع



- نام کتاب: قصه تازه‌ها
- نویسنده: علی معصومی
- ناشر: انتشارات پیام‌نور
- ویراستار: رضا شیرازی
- تصویرگر: مرتضی امین
- شمارگان: ۶۰۰۰ نسخه
- نوبت چاپ: اول (۱۳۷۷)
- تعداد صفحه: ۱۲۴ صفحه
- قیمت: ۳۰۰ تومان

● تصویرگری کتاب
ضعیف و غیر جذاب است



● نویسنده علاقه بسیار شدیدی
به ملک الشعراء بهار داشته است

نکرده است، چرا که ماجرای ایجاد جمهوری در ایران و سایر طرحها و نقشه‌های اجرا شده توسط رضاخان را به خود او نسبت می‌دهد، در حالی که رضا خان ابتدا طراح این نقشه‌ها نبود؛ او تنها مجری نقشه‌هایی بود که برایش طرح می‌کردند. همچنین نویسنده آورده است که رضاخان از ابتدا قصد سلطنت داشت و جمهوریخواهی حریفی برای او بود، در حالی که با توجه به همان منابع مورد استناد نویسنده، رضاخان همانند آتاتورک قصد ایجاد جمهوری را داشت، اما به دلیل تفاوت‌های اجتماعی و سیاسی بین ایران و ترکیه چنین امری محقق نشد و رضاخان شخصاً هیچ ابتدای در این باره نداشت.

کتابهای تاریخی معمولاً در خواننده، احساس اقناع و اغناء فردی ایجاد می‌کنند، اما پس از پایان این کتاب، چنین احساسی در مخاطب به وجود نمی‌آید، بلکه فقط مخاطب با گروهی از افراد جدید آشنا می‌شود. دلیل این موضوع را نیز می‌توان همان پراکندگی و عدم انسجام در بیان وقایع ذکر کرد.

نکته‌ای که بد نیست به آن نیز اشاره شود، تکرار بسیار زیاد دو کلمه در جای جای این کتاب است؛ لفظ «ارمنی» و نام «ملک الشعراء بهار».

اشعار بسیاری از «ملک الشعراء» در بند بند این کتاب آمده و توجه ویژه‌ای به او شده که این حاکی از علاقه بسیار زیاد نگارنده به ایشان است. لفظ «ارمنی» هم به عنوان یک مشخصه منفی یا یک پارامتر نامطلوب بارها ذکر شده است، به نحوی که خواننده احساس می‌کند تمامی ارمنه قصد ضرب زدن به این مملکت را داشته‌اند و این نکته قطعاً جای اشکال دارد.

فارغ از محتوا، اشکالات دیگری نیز به کتاب وارد است. تصویرگری کتاب ابتدا جذاب نیست و پختگی و ظرافت یک تصویرگری کامل برای کتاب را ندارد. به علاوه در تهیه هر کتاب باید قالب و مضمون با یکدیگر همخوانی و سنخیت داشته باشند که باز هم به این مطلب توجه نشده است.

در آغاز هر فصل که بخش مهمی از تاریخ این مملکت است، از فوستی (نوع خط) سبک استفاده شده که این عامل به سنگینی و اهمیت مطلب لطمه می‌زند و در مجموع از ارزش کار می‌کاهد.

خلاصه بحث اینکه اهتمام به تاریخ و بیان آن با شیوه‌هایی قابل فهم برای نوجوانان کار بسیار بسندیدامی است و برای همه مشتاقان آن آرزوی توفیق داریم، اما بهتر است هر کاری با صرف زمان، دقیق‌نگریها و حساسیتهای بیشتر و استفاده از متخصصان انجام شود تا انسجام و همگونی مجموعه بالاتر برود.

● خلاء تاریخ معاصر در کتابهای
درسی محسوس است

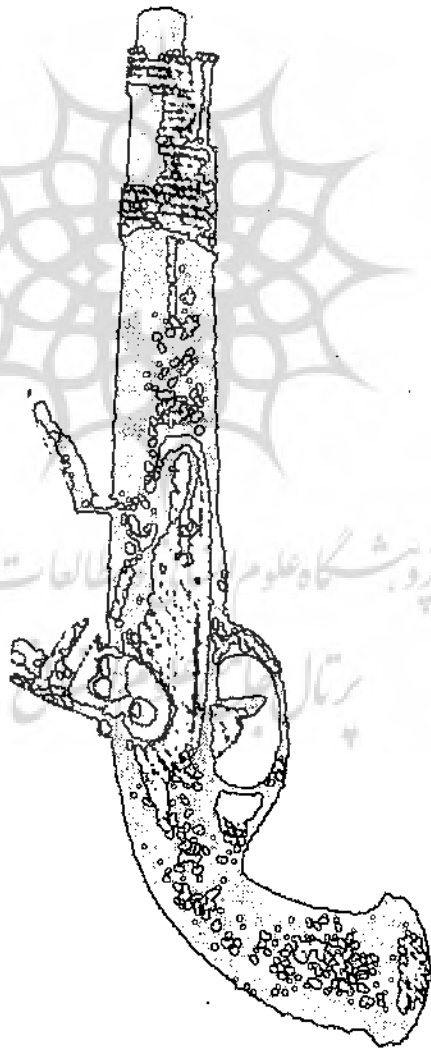
● اظهار نظرهای شخصی
نویسنده در میان داستانهای
تاریخی به چشم می‌خورد

این مطالب بر همه آشکار است یا شرح آنها در کتابهای درسی آمده است اما در هر دو صورت، هر کتاب به نفسه باید هویت خاص خود را داشته باشد و مخاطب تنها با استفاده از آن حظ خود را ببرد، نه اینکه برای درک موضوع، مجبور شود به منابع دیگر مراجعه کند.

نکته دیگری که در محتوای این مجموعه بسیار رخ می‌نماید، عدم پیوستگی حوادث و وقایع است؛ بسیاری از وقایع مهم نیمه‌کاره به حال خود رها می‌شوند، در حالی که بعضی از وقایع و حوادث فرعی، به جد پیگیری شده‌اند. در بعضی مواقع نیز حوادث و وقایع جابه‌جا و بدون رعایت ترتیب زمانی بیان می‌شوند. در نتیجه، در ادامه بحث، محوریت کتاب به دست فراموشی سپرده می‌شود و مخاطب با این سؤال مواجه می‌گردد که کتاب چه چیزی را می‌خواهد تعریف کند؛ قصه قانون، قصه مجلس یا تاریخ دوره قاجار را؟

استفاده از الفاظ ثقیل و توضیح ندادن بعضی از وقایع مهم هم از جمله اشکالات این مجموعه است. برای نمونه، «مشروطه خواهان» فقط نامی است که مخاطب با آن روبه‌رو می‌شود، اما هیچ اطلاعاتی از پیشینه، خواسته‌ها و خاستگاه آنان به دستش نمی‌آید، در حالی که جا داشت به این مطلب بیشتر پرداخته شود یا مثلاً چگونگی و ماجرای تشکیل دو حزب (اعتدالیون و دموکرات عامیون) در آن تاریخ، بدون هیچ مقدمه و توضیحی و تنها در چند خط به مخاطب ارائه و بدون هیچ توضیحی نیز فراموش می‌شود و برای مخاطب این سؤال به وجود می‌آید که اصلاً چه دلیلی برای ذکر نام این دو حزب وجود داشت. اگر آنها نقشی در موضوع داشته‌اند، چرا به نقش آنها پرداخته نشده و اگر هم نقشی نداشته‌اند، چه دلیلی برای ذکر آنها وجود داشت؟ بسیاری از وقایع و رویدادهای دیگر نیز در این مجموعه به فراموشی سپرده شده‌اند.

در شیوه تاریخی معمولاً رسم است که نویسنده، اگر هم جهت‌گیری خاصی داشته باشد، سعی کند در ذکر وقایع، از اعمال نظرات شخصی دور بماند یا اگر به این کار مبادرت می‌کند، به شیوایی باشد که مخاطب آن را آشکارا درک نکند، اما در این مجموعه تمامی احساسات نویسنده، جهت‌گیری‌ها و تمایلات او کاملاً هویدا است و نویسنده سعی کرده تا تحلیلها و جهت‌گیریهای خاص خود را در مورد تاریخ، به جای تاریخ به خورد مخاطب بدهد که این جای بسی اعتراض دارد. البته ناگفته نماند که شاید خود نویسنده هم چندان در عمق موضوعات مورد بحث غور نکرده است. شاهد مثال این نکته بحثهای ذکر شده در مورد رضاخان است. نویسنده رضاخان را به درستی درک



● پراکندگی موضوع از نقاط ضعف
این مجموعه است